

اهمیت توجه به علم روانشناسی محیط در خلق فضاهای دادگاهی

سید مهدی موسوی^۱

^۱دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، mosve5631@gmail.com

مقدمه

بحث از ارتباط میان رفتار انسانی و محیط پیرامون او مساله ی نو ظهوری نیست. همواره این عقیده وجود داشته است که انسان هویت خویش را در هویت محیط جست و جو می کند و هویت محیط را هویت خویش می پندارد و گرایش استحاله ی مختصات هویتی خویش به سمت کسب مختصات هویت محیط دارد. به عنوان مثال، یونانی ها معتقد بودند سلامتی نیرویی است که باعث ایجاد مقاومت در مقابل بیماری ها می شود؛ به عبارت دیگر از یک ارتباط موثر بین فرد جامعه و محیط اطراف وی سخن می گفتند. آنها سلامتی را و بر هم خوردن موازنه بین انسان و محیط را بیماری تلقی می کردند (نقی زاده، ۱۳۸۱). ابن خلدون؛ دانشمند مسلمانی که پیشتر از نظریه پردازی جامعه شناختی به شمار می آید نیز شرایط محیط طبیعی و «محیط ساخته شده» را توأمان در روند زندگی بشر و تحولات فرهنگی و اخلاقی و رفتاری موثر می داند (ابن خلدون، ۱۳۵۲). با نگاه به وضعیت فضاهای اداری و همچنین توجه به ایده های مدیریتی مطرح در سطح جهان که به مرور از اوایل قرن بیستم تا کنون سازماندهی اداری و به تبع آن طراحی فضاهای اداری را دچار تغییر و دگرگونی نموده است، ضرورت دارد فضاهای اداری ایران نیز با توجه به این رویکرد و با محوریت استفاده کنندگان و تامین محیط قابل قبول برای آنان که ساعات زیادی از زمان بیداری را در این محیط می گذرانند، مورد توجه جدی تر قرار گیرد. اصلی ترین محور اجرایی هر دادگاهی عدالت است. دادگاه جایی است که در آن باید بر اساس عدالت رفتار شود. در چنین حالتی باید فضاها عادلانه طراحی شود. طراحی فضاها باید به بهترین پاسخ روانی و رفتاری را به کاربران بدهد. فضاهای اداری از جمله دادگاه ها در حال حاضر نه تنها بیان کننده ی معیارهای کیفی و کمی نیست، بلکه حتی به طور کامل تامین کننده ی نیاز های فردی، اجتماعی، معنوی، فیزیکی و قضایی نمی باشد. ارتقای کیفی این گونه فضاها در روند کارکنان آن مجموعه نیز بسیار موثر است. در این پژوهش سعی شده است با مطالعات کتابخانه ای و اسنادی جایگاه روانشناسی محیط را در معماری فضاهای اداری بخصوص فضاهای پرتنش مانند مراجع قضایی و دادگاه ها را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

چکیده

موضوع رابطه انسان و محیط و قابلیت ترجمه آن به زبان طراحی معماری همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است. در این راستا شناخت انسان و ویژگی های محیط زندگی و کار او و چگونگی برقراری رابطه میان این دو عامل اهمیت دارد: کیفیت نامناسب ساخت و سازهای شهری، همچنین عوامل محیطی که از دیدگاه روانشناسانه علاوه بر افزایش گرایش افراد به خشونت، باعث افزایش عوامل استرس زا در فضاهای تنش زا همانند دادگاه ها هم برای افرادی که چنین فضاهایی محل کار آنها محسوب می شود، هم افرادی که برای رسیدگی به مشکل خود به این محل ها مراجعه کرده اند و هم افرادی که مرتکب جرم شده اند، می شود. هر انسان با توجه به سطح آگاهی، دانش و توان فنی خود به دخل و تصرف در محیط پرداخته و از طرفی این شرایط محیطی و مکانی است که حدود و نحوه عمل و شیوه رفتارهای او را مشخص می نماید. هیچ کدام از این بناها در ایران نه تنها بیان کننده ی معیارهای کیفی و کمی دستگاه های قضایی نیست بلکه حتی بطور کامل تامین کننده ی نیاز های فردی اجتماعی قضایی نیز نمی باشد که از این رو ضرورت شکل گیری این پژوهش اهمیت می یابد. در این پژوهش که از روش تحلیلی- توصیفی استفاده شده است با هدف بررسی نقش و کاربرد روانشناسی محیطی برای کاربران چنین مجموعه هایی به این نتیجه رسیده ایم که طرح معماری یک مکان قضایی باید ضمن ایجاد و جلب اعتماد در کاربر، صداقت، شفافیت و عدالت را در ساختار بنا نیز نمایان سازد و در مجموع طراحی به گونه ای هماهنگ با روند قضایی باشد و اثری مثبت بر روی آن بگذارد و همچنین فضاها باید دارای نشاط لازم برای بهره وران (کارکنان و قضات) و نیز مراجعان باشد که در حقیقت باعث بهبود روحیه ی کارکنان و رضایت پرسنل و مردم در این محیط پر تنش خواهد شد.

واژه های کلیدی:

معماری، روانشناسی محیط، دادگاهی.